موضوع: درباره حضرت امام جواد الائمه (علیه السلام)

امامت در سن کودکی و قبل از بلوغ فقهی

دهم رجب مصادف با ولادت با سعادت حضرت امام جواد (ع) در سال 195 هجری است. ایشان در سن هفت سالگی به امامت رسیدند. از آنجا که این مساله در مباحث کلامی مورد بحث قرار گرفته است در این جلسه به آن می پردازیم.

دیدگاه متکلمان اهل سنت درباره شرط بلوغ امام

متکلمان اهل سنت یکی از شرایط امامت را رسیدن به سن بلوغ فقهی دانسته اند. برخی از آنان در این باره دلیل اقامه کرده اند که عمدتا دلیل آنها اعتبارات عقلایی است، به این صورت که گفته اند: کودک قبل از این سن از نظر رشد عقلی به حدی نیست که بتواند مسئولیت امامت را انجام دهد.[[1]](#footnote-1) اینان گفته اند در این سن و سال، کودک حتی از اداره امور خود بر نمی آید چه رسد به اینکه بتواند عهده دار امور مسلمین شود.[[2]](#footnote-2) و نیز گفته شده اگر از نظر عقلی و جسمی کودک بتواند بار سنگین امامت را بردوش بکشد اما در مقایسه با افراد بالغ در حد پایین تری قرار دارد و آنان از جهت جسمی و عقلی و روحی بر وی برتری دارند و لذا آنان بر وی افضل هستند.[[3]](#footnote-3) برخی نیز گفته اند: مرد بودن از شرایط امامت است، زیرا زن از نظر توانایی جسمی و همچنین ابهت اجتماعی، واجد منصب امامت نیست و وضعیت کودک در این باره از زنان نازل تر است.[[4]](#footnote-4)

برخی از متکلمان اهل سنت نیز تنها شرط بلوغ را ذکر کرده و استدلالی ذکر نکرده اند.[[5]](#footnote-5) برخی دیگر نیز نفیا و اثباتا سخنی در این باره نگفته اند.[[6]](#footnote-6)

دیدگاه متکلمان امامیه

متکلمان امامیه سخنی از شرط بلوغ نگفته اند، بلکه مساله توانمندی در صفات کمال مانند عقل و علم و مدیریت را ذکر کرده و گفته اند امام باید در این صفات از دیگران برتر باشد.

منشا اختلاف دو دیدگاه در امامت ناشی از این است که آیا امامت امری انتصابی است یا انتخابی؟ و آیا امامت یک مساله کلامی است یا فقهی؟ از نظر امامیه، مساله امامت یک مساله کلامی و انتصابی است. امامیه معتقد است همان طور که نبوت مساله ای کلامی و فعل خدای متعال است، امامت نیز مساله ای کلامی است و توسط خداوند تعیین می شود. خدای متعال این مقام را به کسی اعطا می کند که واجد صفات لازم باشد اعم از اینکه در سن کودکی باشد یا بلوغ و بعد از آن .

بسیاری از پیامبران الهی در سنین پس از بلوغ به مقام نبوت نائل شدند اما مواردی هم بوده که در سنین کودکی این مقام به آنها اعطا شده است. دو مورد را قرآن کریم نام برده است: درباره حضرت یحیی (ع) می فرماید: «يا يَحْيى‏ خُذِ الْكِتابَ بِقُوَّةٍ وَ آتَيْناهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا».[[7]](#footnote-7) و درباره حضرت عیسی (ع) می فرماید: «فَأَشارَتْ إِلَيْهِ قالُوا كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ كانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا»[[8]](#footnote-8): مريم به نوزاد اشاره كرد [كه از او بپرسيد.] گفتند: چگونه با كودكى كه در گهواره است سخن بگوييم؟

اکثر ائمه اطهار (علیهم السلام) نیز بعد از سن بلوغ عهده دار مقام امامت شده اند اما سه نفر از آنان در دوران قبل از بلوغ فقهی مصطلح به امامت رسیده اند که عبارتند از: امام جواد (ع) و امام هادی (ع) و امام عصر (عج). امام جواد (ع) در سن 7 سالگی به امامت رسیدند. امام هادی (ع) در سن 8 سالگی و امام عصر (عج) در سن 5 سالگی به این مقام رسیدند. ببینیم موضع عالمان اهل سنت در این باره چیست؟

اهل سنت در مورد اینکه نبوت منصبی الهی است حرفی ندارند و آن را پذیرفته اند. از جمله فخر رازی در مورد آیه مربوط به حضرت عیسی (ع) گفته است: برخی بیان کرده اند که عیسی (ع) از نبوت خود خبر داده است و نه از رسالت خویش، زیرا در آن زمان شریعتی نیاورده بود. اینان گفته اند معنای نبوت او این است که مقام و درجه بالایی داشت. فخر رازی در نقد این سخن می گوید: این سخن ضعیف است، زیرا نبی کسی است که خداوند او را به مقام نبوت و رسالت مبعوث کرده است. مفاد آیه شریفه این است که ایشان در آن حال دارای مقام نبوت و رسالت بود.

فخر رازی می گوید: این سخن که مراد حضرت عیسی (ع) از این که فرموده: «به من نبوت داده اعطا شده» این بوده که در آینده این مقام به من داده می شود، مردود و خلاف ظاهر است. برخی دیگر این اشکال را وارد کرده اند که مقام نبوت در مورد حضرت عیسی (ع) نمی توانسته مربوط به دوران کودکی ایشان باشد، زیرا طبق حدیث نبوی (ص) رفع قلم در مورد نابالغین، تعبیر «وَ أَوْصاني‏ بِالصَّلاةِ وَ الزَّكاةِ ما دُمْتُ حَيًّا»[[9]](#footnote-9) نمی تواند صحیح بوده باشد. فخر رازی در پاسخ گفته است: خداوند در عین اینکه ایشان حثه کوچکی داشتند اما توانایی به ایشان داده بود که بتواند این کارها را انجام دهد. [[10]](#footnote-10)

زمخشری در کشاف درباره آیه شریفه مورد بحث گفته است: در مورد این آیه دو قول است: یکی اینکه خداوند در کودکی عقل ایشان را کامل کرده و ایشان را به نبوت برگزید، و دیگر اینکه نبوت ایشان بعدا واقع خواهد شد، اما چیزی که قطعی است به عنوان امری که واقع شده معرفی شده است. زمخشری می گوید قول اول صحیح است.[[11]](#footnote-11)

سوال دیگر این است که مراد از حکم در مورد حضرت یحیی (ع) چیست که می فرماید: «يا يَحْيى‏ خُذِ الْكِتابَ بِقُوَّةٍ وَ آتَيْناهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا».[[12]](#footnote-12) در این باره سه تفسیر نقل شده است: بسیاری مراد از حکم را همان نبوت دانسته اند. برخی هم گفته اند مراد فهم تورات و دین است، و برخی نیز گفته اند مراد عقل است.[[13]](#footnote-13)

فخر رازی گفته است حکم در آیه به معنای نبوت و فهم و عقل است. وی دو وجه را برای آن ذکر کرده است: یکی اینکه خداوند می خواسته شرافت و منقبت آن حضرت را بیان کند و روشن است که برترین صفت انسان، صفت نبوت است. وجه دیگر بیان این است که ایشان صلاحیت آن را دارد که بر اساس آن له و علیه دیگران حکم کند و این مقام جز نبوت نیست. ممکن است گفته است چگونه ممکن است که نبوت و فهم و حکمت برای کسی در کودکی حاصل شده باشد؟ وی در پاسخ می گوید: کسی که این اشکال را مطرح می کند یا به خوارق عادات معتقد است یا نیست؟ اگر معتقد نباشد باب نبوت بر او مسدود خواهد بود، و اگر آن را قبول دارد در این صورت وجهی برای استبعاد نخواهد بود، زیرا استبعاد اینکه کودکی عهده دار مقام نبوت باشد از شکافتن دریا و مانند آن کمتر است. [[14]](#footnote-14)

در روایات امامان (علیهم السلام) نیز که گاه در مورد وجه کودکی برخی معصومین از ایشان سوال شده است، برای رفع استبعاد به نبوت حضرت یحیی (ع) و حضرت عیسی (ع) استدلال شده است. از جمله در روایت آمده است:

از على بن اسباط روايت شده كه گفت: امام محمّد تقى عليه السّلام بسوى من خارج شد، من بنا كردم بقد و قامت آن حضرت نظر كردن‏ تا صفات و علامتهاى او را در مصر براى ياران خود بگويم. ناگاه ديدم امام جواد بمن فرمود: اى على بن اسباط! خداى سبحان براى امامت استدلال ميكند همانطور كه براى نبوّت و پيغمبرى استدلال كرده و فرموده: «وَ آتَيْناهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا» نيز فرموده: «وَ لَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ آتَيْناهُ حُكْماً وَ عِلْماً»[[15]](#footnote-15) پس جايز است كه خدا مقام حكومت را به پسر بچه و بشخص چهل‏ساله مرحمت فرمايد. روايت شده كه امام جواد عليه السّلام در ميان گهواره تكلم مي كرد.[[16]](#footnote-16)

و در روایت دیگری صفوان بن يحيى گويد: به امام رضا (ع) گفتم: ما پيش از آنكه ابو جعفر را به شما ببخشد از شما پرسش مى‏كرديم (يعنى راجع به امام آينده) و شما مى‏فرموديد: خدا به من پسرى خواهد داد، اكنون خدا به شما پسرى بخشيده، چشم ما را روشن كن (يعنى به مژده امامت او) خدا روز مرگ تو را به ما ننمايد، اگر پيشامد ناگوارى شد به سوى چه كسى گرائيم؟ به دست خود اشاره به ابو جعفر (امام محمد تقى ع) كرد كه برادرش ايستاده بود، گفتم:

قربانت، اين سه سال دارد؟ فرمود: اين خرد سالى به امامت او هيچ زيانى ندارد، حضرت عيسى هم (در سنّى كمتر از خ) سه ساله بود كه قيام به رسالت كرد.[[17]](#footnote-17)

کاروان‌سالار حق جویان جواد (ع)

فخر عالم، سرور نیکان جواد (ع) نور ایمان، حجت یزدان جــواد (ع)

ماه عصمت، آفتـــــاب معدلت رهبر دین، معنی قرآن جـــواد (ع)

شهسوار عرصه عشق و صفـــا یکه تاز وادی احسان جــــواد (ع)

مقتدای پارسایان جهـــــــان کاروان‌سالار حق جویان جــواد (ع)

در جوانمردی و غیرت بی قرین در سخاوت بحر بی پایان جـواد (ع)

گفته هایش جمله نور حکمت است باشد استاد دو صد لقمان جـواد (ع)

صیت علمش رفته تا عرش بریـن بر فراز قله عرفان جـــــــواد (ع)

حبل وحدت عروة الوثقای دیـن ناخدای کشتی ایمان جـــــواد (ع)

منتخب بود و تقی و مرتضـــی مصطفای حضرت سبحان جواد (ع)

با ستمکاران و جباران خصیـــم دادخواه و یار مظلومان جـــواد (ع)

بر یتیمان غمگسار و مهربــــان دلنواز جمله محرومان جــــواد (ع)

در مسیر سرفرازی و شـــــرف اسوه باشد بر سرافـرازان جــواد (ع)

کرد جانبازی به راه دین حـــق مقتدا بر خیل جانبازان جــــواد (ع)

عاقبت آن رهبر و سلطان عشق شد شهید اندر ره جانان جـــواد (ع)

عاشقا! دل بر ولای او سپــــار هست مولی بر تن و بر جان جواد(ع)[[18]](#footnote-18)

29 ذیقعده الحرام، 1411 هـ ق

﴿.....﴾ اللهم صل علی محمد و آل محمد

1. شرح مواقف، ج8، ص 350 ؛ شرح مقاصد، ج5، ص 244 [↑](#footnote-ref-1)
2. المسامره، شرح المسایره، ص 270 [↑](#footnote-ref-2)
3. ابکار الافکار، سیف الدین آمدی، ج3، ص 475 [↑](#footnote-ref-3)
4. الفائق فی اصول الدین، ص 305 [↑](#footnote-ref-4)
5. نهایه العقول، فخرالدین رازی، ج4، ص 356 [↑](#footnote-ref-5)
6. از جمله اصول الدین، بغدادی، ص 148؛ الارشاد، امام الحرمین، ص 270 ؛ المسامره، ص 270 ؛ تبصره الادله، ابومعین نصفی، ج2، ص 1111 [↑](#footnote-ref-6)
7. سوره مریم، آیه 12 [↑](#footnote-ref-7)
8. سوره مریم، آیه 29 [↑](#footnote-ref-8)
9. سوره مریم، آیه 31 [↑](#footnote-ref-9)
10. مفاتیح الغیب، ج21، ص 213-215 [↑](#footnote-ref-10)
11. کشاف، زمخشری، ج3، ص 115 [↑](#footnote-ref-11)
12. سوره مریم، آیه 12 [↑](#footnote-ref-12)
13. مفاتیح الغیب، ج21، ص 191 ؛ تفسیر بیضاوی، ج3، ص 45 ؛ روح المعانی، ج16، ص 107 [↑](#footnote-ref-13)
14. مفاتیح الغیب، ج21، ص 191- 192 [↑](#footnote-ref-14)
15. سوره یوسف، آیه 22 [↑](#footnote-ref-15)
16. اصول کافی، ج1، ص 413 ؛ مجمع البیان، ج5-6، ص 106 [↑](#footnote-ref-16)
17. الارشاد، ج2، ص 279 [↑](#footnote-ref-17)
18. شعر از حضرت استاد ربانی گلپایگانی [↑](#footnote-ref-18)